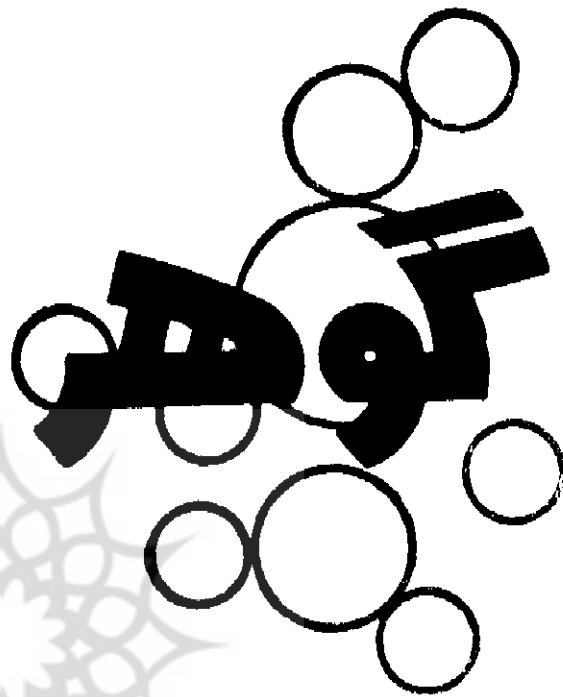


سال چهارم - شماره ۶ شهر یورماه ۲۰۳۵



مدیرمسئول: مرتضی کامران

اعلام خطر به وزارت آموزش و پرورش

رتادریس زبان پارسی در دبستانها

ودیرستانها

(۵)

کسانی که تاکنون به نالتهای گذشته را درباب تدریس زبان پارسی ، در دبستانها و دبیرستانها و دانشگاهها ، خواننده و رشنه سخن ما را دنبال کرده اند و در دست دارند ، اینک خوب میدانند که ، در رشته های پیش ، باینجا رسیده بودیم که «دور نیست ، دیر یازود ، سدسدید سنت قدیم و قدیم شکسته شود و قدم شوم و نامبارک «شعر نو» و «موج نو» بصحنه کتابهای

۱- «چون به میدان زبان بردازی !! خود ، میان این دو پدیده عصر جدید یعنی «شعر نو» و «موج نو» تفاوت بسیار افتاد!» نخستین را قبول دارند و دومین را رد میکنند .

درسی آموزشگاه های کشور راه جوید و برابر چشمان پسران و دختران ایرانی قرار گیرد نا آنرا بخوانند ، و اگر توانستند ، از بر کنند .

گویند : فرض محال محال نیست . اینک چنین فرض کنیم که خود خواهی و جسارت و بی پروائی و جلالت نوپردازان و حق کشی و سماجت و بی انصافی و لجابت مروجان و مبلغانشان از یکسو ، و بی تفاوتی و غفلت و بی بندوباری و مسامحت کسارگردانان و دست اندرکاران امور آموزش و پرورش از سوئی دیگر ، زمانی ، بآن حدونهایت و قوت و قدرت برسد که چنین تصویری رامکن سازد و چنین امری را از قوه بفعل در آورد و سرانجام در بر این یاشنه بچرخد که در کتابهای تدریسی ابتدائی و راهنمایی و متوسطه و عالی ، بجای اشعار نخبه و زبده شاعران بزرگ ایران که آیات فصاحت و بلاغت و فخامت و رشاقست است ، آثار برگزیده نوپردازان و پیروان موج نو را که رایات سستی و سخافت و زشتی و فضاحت است بگذارند و پسران و دختران ایرانی ناگزیر و ناچار از آن باشند که بعوض شاهکارهای نغز و بامغز شعر کهن ، بهم بافته های بی سروبن شعر نو را بخوانند و از بر کنند و امتحان دهند .

پدران و مادران ایرانی که عصبیت قومی و غیرت ملی و غرور میهنی دارند و تار و پود لطیف و ظریف شعر دردی ، بارشته های رنگ و پوی دل و جانشان پیچ و تاب خورده است و نشئه سکر آور شراب ناب نظم پارسی ، در خون سرخ رگهای جهنده اندامهای پیکرشان موج میزند و روان است ، باید ، از هم اکنون ، بدانند که اگر خدای ناکرده ، جریان حوادث روزگار و گردش چرخ کجمدار چنین روزی شود و وضعی میشود زایش آورد ، کتابهایی را که فرزندانشان ، بشبها و بروزها ، برابر میگذارند و میخوانند چگونه و در آنها چه شعر هائی و از کدامین شاعرانی بچاپ رسیده است ؟

مادر این مقاله ، نمودار هائی از این کتابهای مفروض را ، با آن شعرهای نو ، رو باروی شما خوانندگان «ماهنامه تحقیقی گوهر» که بمدت چهار سال مقالات متعددمارا ، در باب عزت و حرمت و قیمت و شوکت زبان پارسی خوانده اید ، می نهیم و امیدواریم که این کارما را به پسندید و بجد بگیریید و راست بدانید و هزل و شوخی نیندازید . بنابراین پرده را بیکشو میزنیم و چنین روز و وضع و حالی را از پیش بشما مینمائیم . یقین کنید ، در آینده ای نزدیک ، با همه دل بستگی بمکتب قدیم و سنت قدیم شعر و ادب و فرهنگ ایرانزمین ، ناگزیریید سیم وزر بدهید و اینگونه کتابها را بخرید و بزییر بغل کودکان خود بگذارید و آنانرا به آموزشگاهها بفرستید . آموزگاران و دبیران و استادان مجبورند اینگونه اشعار را بشاگردان بیاموزند و برای دانش آموزان و دانشجویانیکه منظور بهم بافندگان آن اشعار را در نمی یابند دست و پا کنند و معنائی بسازند . کودکان ناچارند آن اشعار را از بر کنند و امتحان دهند . هر چند بخاطر سپردن شعرهای کوتاه و بلند و فاقد معنی و مضمون و بی بحر و وزن و قافیه ، عذابی الیم ورنجی عظیم است .

خوانندگان این نکته را هم باید بدانند، این اشعار نو و سروده های مسوج نو نه چاپ خواهد شد ساخته و پرداخته تفنن و باوه گوئی و مزاج و هزل سرائی و شوخی و ژاژ خائی مانیت. بلکه همه آنها از چند منبع و مرجع و مأخذ موثوق و معتبر بدست آمده است که یاد کردن آنها از لحاظ مستندات تاریخی خالی از فایده نیست :

۱ - از کتابها و نشر خائی که با نامها و جلدهای عجیب و غریب و رسم الخطها و شکلهای معوج و مهیب چاپ و نشر شده است و در پشت شیشه قفسه کتابخانه ها خاک میخورد و در یاره هریک از آنها ، چند تن معرکه گیر زهینه ساز و میدان دار صحنه پرداز ، بعنوان تحقیق شعر نو ، ولی برای کسب شهرت و تحصیل معیشت ، ضمن برنامه های مختلف ادبی رادیو و تلویزیون ، و در مصاحبه های که خود ترتیب میدهند ، بحث و نقد کرده اند و یا در صفحات ادبی روزنامه ها و مجله ها ، بانشر مقالاتی ، به ترویج و تبلیغ پرداخته اند .

۲ - از صفحات ادبی هفتگی دوروزنامه کثیرالانتشار و خدمتگزار اطلاعات و کیهان که خود را هادی و مرشد جامعه و مروج و مبلغ شعر و ادب و هنر و فرهنگ و تمدن و اخلاق نژاد نوین ایران به حساب میگذارند !!

۳ - از مجلات معنون و مصور تماشا و تلاش و ... که عهده دار تهذیب نفس و تنزیه روح و تقویت فکر و تفریح خاطر و تشحیذ ذهن و تکمیل معرفت نسل معاصر کشورند !!

پس ، همانطور که یاد شد ، همه این آثار ، بی استثناء ، از نصوص نشریات چاپی «پدیده های موج نو» و «جلوه های عنبر روز» و «تجلیات ذوق نسل جدید» و «آئینه تمام نمای شعر و ادب معاصر» و «ادبیات روز» و «گل های نوشکفته بوستان نیمائی» استخراج شده است که این روزها ، در گوشه و کنار ، بچشم میخورد و هویت و ماهیت آنها را ، یکی **از معرکه گیران و میانداران سرشناس و زبان آور «گروه ادب معاصر»** ، ضمن مصاحبه ای که بنا زمینه سازی و صحنه پردازی ترتیب داده بودند ، در صفحه ۹ ، شماره ۹۹۸۰ مورخ یکشنبه ۱۱ مهرماه ۲۵۳۵ روزنامه کیهان بتفصیل شرح و بسط داده است . این مصاحبه ساختگی برآستی بسیار خواندنیست و من ، بر سهیل تصادف ، بر آن وقوف یافتم و اگر بیم نبوده صفحات تنگ ماهنامه تحقیقی گوهر ، بر خیره ، گرفته شود ، همه آنها ، از سرتابه بن ، در اینجا سیاوردم و نکات عبرت آور و شگفتی گستر و متناقض و متضاد آنها ، یکان بیکان ، از هم میشکافتیم تا خوانندگان بدانند ، **در قلمرو شعر و ادب زبان نغز پارسی معاصر و معاهد ما ، چه ناراستیها و نارواییها و ناسزائیها گردش و جنبش دارد** و استاد و محقق نامور شعر و ادب و نقاد و صراف نادر فرهنگ و هنر امروز کیست ؟؟ و مایه منطق و پایه استدلال و اساس دآوری او چیست ؟؟ برآستی ، بدیوانکی ماند آن دآوری !!

از چند قدم پیرامونشان فراتر نمیرود .

۳ - باتشکیل چند جلسه هفتگی و ماهانه و سالانه شعر خوانی و سخنرانی راجع به شعر نو و شاعران نوپرداز ، در گوشه و کنار تهران (نه در تمام نقاط کشور پهنای ایران) و دست افشانی و پایکوبی گروهی دختران و پسران خام و بی خیر و دستخوش احساس و هوس .

۴ - با در دست گرفتن یکی دو صفحه ادبی هفتگی چند روزنامه و مجله که فقط از لحاظ اخبار مملکتی و جهانی و یا مقالات سیاسی و اجتماعی مورد توجه مردم است نه مسائل علمی و ادبی ، و منحصر ساختن آن صفحات با شعار نو و موج نو

۵ - با ترتیب دادن چند مصاحبه رادیویی و تلویزیونی در هر سال و تجزیه و تحلیل نوی و کینی !! شعر نو و شاعران نوپرداز .

دیگر کار تمام است و دکان فرهنگ قدیم و قویم ایران - بطور کامل ، تخته شده و ملک شعر و ادب معاصر ، شش دانگ ، در تسخیر و تملیک شعر نو و شاعران نوپرداز در آمده است و یا بقول مصاحبه کننده ، پرچم شعر امروز در دست نسل ایشان است . زهی تصور باطل ، زهی خیال محال .

از زمان رودکی تا کنون ، بیش از دوازده قرن ، یعنی نزدیک بهزار و دوست سال ، میگذرد و در این مدت ، با اندازه ریگ های بیابان و برگ های درختان . شاعر پارسی گو آمده اند و رفته اند و شعر ساخته و پرداخته اند ولی با مرگشان و حتی در زمان حیاتشان ، نام و نشان و اثرشان خاموش و فراموش مانده است . تو گفتمی که رستم ز مادر نژاد . در این میان تنها چند تن توانستند در این میدان کوس لمن الملکی بکوبند و رایت شکوهمند و سر بلند شعر دری را در دست گیرند که هنوز هم دارند و تا زمانیکه زبان پارسی زنده و پاینده است نیز خواهند داشت . پس سخن این مصاحبه کننده عالی ، باینکه پرچم شعر امروز در دست ایشان و نسل ایشان است ، ادعای صرف و از رموز احلام و اضغاث شیطانی بشمار آید نه افکار و اقوال رحمانی !! همه میدانند و بسیار بجاست که ایشان نیز بدانند که امروز هم ملک پهنای و سخن و سخنوری ، از کبران تا کوران . مسخر شهسوارانی است که دیوان اشعارشان ، بهر هفته و ماه و سال ، مکرر در مکرر ، بصورت اشکال مختلف چاپ و نشر میشود و نام نامی و آثار گرامیشان پیوسته نقل محافل و نقل مجالس است . تذکر جمیلشان در افواه عوام افتاده و سخنشان در بساط زمین رفته و قصب الجیب حدیثشان را همچون شکر میخورند و رفته منشآتشان را چون نان خرد در میبرند . « و شماره نسخه های که در هر بار ، از یک اثرشان چاپ میشود ، صد برابر مجموع کتابها و دفترها و نسخه هایست که در این چهل سال اخیر از شعر نو و موج نو چاپ شده است . تو خود حدیث معضل بخوان از این مجمل . اگر باور ندارید باز بجاست ، که بگویم : مدعی گرتکند فیه سخن گو سرو خشت . بنا بر این رنج بیهوده می کشید و عرض خود میبیرد و زحمت ما

اینک قسمتی از آن مصاحبه معنون و مظنن را که بسخن امروزین مابستگی دارد بخوانید :

سوال : شاعر شعر امروز را دچار نوعی رکود می بینید ؟

جواب : اندر ز نودی که من می بینم در کار انتشار شعر است نه سرودن شعر. حقیقت این است که صبح و نشر شعر به دلالتی (؟؟) دچار رکود شده است .

سوال : گمان می کنید که هنوز پرچم شعر امروز دردست شما وهمنسلان شماست :

جواب : (در اینجا بطوریکه چند تصویر مصاحبه کننده در صفحه روزنامه نشان میدهد اوبا نگاه و فیلسوف ما باند گفته است) : بله ، (؟) ... می توان گفت که هنوز (؟؟) پرچم شعر امروز در دست نسل ماست (!!) و اگر بگوئید که در سالهای اخیر از این شاعران کمتر شعر منتشر شده است من می گویم که پاسخ شما را در پرسش اول داده ام .

ملاحظه کنید که در این جوابها ، تاجچه حد گستاخی و بی پروائی و خودخواهی و نپختگی و بی خبری نهفته است .

این شخص نمیداند که آنچه دردست او وهمنسلان اوست ، چوب حراج میراث گرانبهای شعروادب و فرهنگ تفاخر آمیز و غرور انگیز و ذوق و قریحه پاک و تابناک نسل قدیم ایرانست . ندانم آنجلا و اعتلاء شعرو ادب و فرهنگ و هنرنسل زمان ، اما ... اما جوهر دانش و بینش و روح حق و عدل و دیده انصاف و قضا میخواهد تا کسی این حقیقت و واقع را به بیند و دریابد . مدعی گر نکند فهم سخن گوسر و خشت از این مصاحبه متصل و مطول ، همین دوستی از جواب موجز و مختصر ، که در بالا یاد شد و مثنی نون و خروار است ، ما را از آوردن همه آن بی نیازه میسازد ولی از نکته گیران و موشکافان چشم داریم که این شماره روزنامه کیهان را بدست آورند و همه این مصاحبه حیرت آور و عبرت گستر را بخوانند تا بدانند مولانا الاعظم محمد بلخی حق دارد آنجا که فرماید :

چون غرض آید هنر پوشیده شد صد حجاب از دل بسوی دیده شد .

خشم و شهوت مرد را احول کند ز استقامت روح را مبدل کند .

این مصاحبه کننده ساده دل و خوش باور چنین انگاشته است که :

۱ - با تعدادی کتاب و دفتر و رسانه شعرنو و موج نو که در این چندسال اخیر طبع و نشر شده و قسمتی اعظم از آن بتدریس نرفته و بروی دست ناظم و ناشر مانده و قسمتی هم منت و مچان میان گروهی جوانان تازه خط و نا آشنا بر او رسم مطالعه و تحقیق توزیع شده است .

۲ - با عده ای قلیل شاعر نوپرداز که شعاع دائرة نفوذ و رسوخ نام و نشان و اثرشان

میدارید و با همه ترکنازی و بلندپروازی شما را آن توش و توان نیست که بعرضه سیمرغ راه یابید و در آنجا بجولان درآئید .

اینک بجان سخن و اصل مطلب برمیکردیم . اگر خواهی را که نوپردازان کمتر ، و معرکه گیران نوپردازی بیشتر ، برای کتابهای درسی دیده اند تعبیر شود برنامه کارچنین خواهد بود :

نخست از لحاظ حزم و احتیاط و جلو گرفتن از هیاهو و شکایت و غوغا و عدم رضایت پدران و مادران و علاقمندان بشعر و ادب و فرهنگ قدیم ، شعرهایی را که بزبان ساده و روان برای کودکان سروده اند و دور نیست امثال آن در آثار بزرگان متقدم و یا متأخر و چو دنداشته باشد در کتابها چاپ میزند و بعد ، رفته رفته ، بجای بعضی از اشعار فصیح و بلیغ شاعران بزرگ ، بعضی از شعرهای نو و موج نور اجانشین میکنند و همی تکه چشم و گوشها عادت گرفت ، آنگاه کار را یکسره میسازند و همه اشعار کتابهای درسی را از انواع و اقسام شعرونو و موج نو لبریز می کنند ، بطوریکه پس از گذشت زمانی دراز ، دیگر برای فرزندان ایرانی ، نام و نشان خداوندان و شهریان سخن درسی ، مانند رودکی و اسدی و فردوسی و فرخی و خاقانی و انوری و سنائی و منوچهری و ناصر خسرو و نظامی و عطار و مولوی و خیام و سعدی و حافظ و هزاران شاهکار آفرین دیگر ، گمنام و بیگانه باشد و رشته پیوند میان نسل جدید و فرهنگ قدیم ، که یکی از قوایم و ارکان دوام و بقای ملیت و قومیت ایرانیست ، از هم بکسلد و پاره شود .

در شماره آینده که میکوشیم آخرین مقاله باشد و انشاء الله این بحث را پایان بخشد ، قطعانی از «شعرونو» و «موجنو» درج می کنیم . این اشعار دور نیست همان گزینه و منتخب آثار شاعران نوپرداز و یامشابه و مماثل آنها باشد که در کتابهای درسی آینده چاپ خواهد شده خوانندگان ، پس از خواندن آنها بهتر خواهند یافت که پرچه شعر امروز که در دست «مصاحبه کننده نادره گوی یادشده» و نسل او جای دارد از چه جنس و قماش است و آیا چنین بیرقی مایه گردنقرازی و سر بلندیست یا موجب زبونی و خواری؟؟

دبیر کل نییاد - دکتر نصره الله کاسمی

